

رؤیت خدا در قیامت؛ ممکن یا محال؟

در میان مسلمانان سه گروه اعتقادی درباره خدا مطرح است که به عنوان اهل تشبیه، اهل تعطیل و اهل تنزیه معروف هستند.



در میان مسلمانان سه گروه اعتقادی درباره خدا مطرح است که به عنوان اهل تشبیه، اهل تعطیل و اهل تنزیه معروف هستند. به گزارش ایسنا، روزنامه «کیهان» در ادامه نوشت: گروه اول بر این باورند که صفات خدا همانند صفات خلق است. بنابراین مراد از علم و قدرت و دیگر صفات الهی همین است که انسان داراست و آن را می فهمد. گروه دوم بر این باورند که صفات الهی را نمی توان همین صفات خلقی دانست و معرفت و شناخت خدا امکان پذیر نیست و محال و ممتنع است که انسان خدا را بشناسد.

گروه سوم بر این باورند که صفات الهی نسبتی با صفات خلقی دارد ولی همان نیست زیرا صفات خدا از هر گونه نقص و عیبی مبری است و باید خدا و صفاتش را از آنها تنزیه کرد. پس اگر خدا را به «اکبر» توصیف می کنیم، مراد آن است که خدا «اکبر من ان یوصف» یعنی برتر از آن چیزی است بتوان توصیف کرد.

کسانی که قائل به تشبیه هستند، بر این باورند که خدا اگر در دنیا غیرقابل رویت باشد، در قیامت قابل رویت است و همانطور که شاهلی بر عرش می نشیند، خدا نیز بر عرش خویش می نشیند و مردمان او را نظاره می کنند. دلیل آنان این آیه است که خدا در قرآن فرموده است: **وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ اِلی رَبِّهَا نَاطِرَةٌ**؛ چهره هایی که در روز قیامت با طراوت به سوی پروردگارشان نظاره می کنند. (قیامت، آیات ۲۲ و ۲۳)، در حالی که این آیه اصلاً چنین تصویری از خدا و قیامت به دست نمی دهد؛ زیرا: اولاً؛ آنکه در قیامت به سوی پروردگارش نگاه می کند، «عیون» (چشم ها) نیست، بلکه وجوه (صورت ها) است. پس چشم ها به

سوی خدا نمی نگرد، بلکه صورت هاست که می نگرد؛ ثانیاً؛ واژه ناظره تنها به معنای نگاه کردن در عربی نیامده است؛ چنانکه در آیه ۲۵ سوره نمل به معنای «انتظار» آمده است: **اِیُّی مُرْسِلَةٍ اِلیْهِمْ یَهْدِیْهِ قَنَاطِرٌ یَمْ یَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ**؛ من با جدیت تمام به سوی آنان هدیه ای می فرستم، پس منتظر می مانم تا ببینم که فرستادگان من چه خبر می آورند و آنگاه تصمیم می گیرم. در آیات قیامت نیز ممکن است مراد از «ناظره» انتظار رحمت الهی از سوی این وجوه باشد که انسان های خاص هستند؛ (طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه المیزان ج ۲۰، ص ۱۷۸ و ۱۸۵ و ۱۸۶)

ثالثاً؛ نظر به معنای نگریستن غیر از رویت به معنای دیدن است زیرا ممکن است که انسان به سوی چیزی بنگرد ولی رویت و دیدنی رخ ندهد؛ چنانکه گفته می شود: **نظرت الی السماء و ما رایت الهلال**؛ به آسمان نگریستم ولی ماه هلال را ندیدم؛ بلکه حتی شخص می گوید: **نظرت الی القمر فلم اراه**؛ به سوی ماه نگریستم ولی آن را ندیدم. پس این وجوه ممکن است به سمت پروردگارشان نگاه کنند ولی رویت و دیدنی رخ ندهد؛ زیرا خدا غیر قابل رویت است (انعام، آیه ۱۰۳؛ اعراف، آیه ۱۴۳؛ نساء، آیه ۱۵۳؛ فرقان، آیه ۲۱)؛ او از اجسام نیست تا قابل رویت باشد. از این روست که دیدن خدا با دیدگان قلب شدنی است نه با چشم های ظاهری؛ چنانکه امیرمومنان علی(ع) می فرماید: **لا تدرکه العیون بمشاهده العیان و لکن تدرکه القلوب بحقائق الایمان**؛ دیده

ها هرگز او را آشکار نمی بینند اما دل ها با ایمان درست او را درمی یابند. (نهج البلاغه، دشتی، ص ۲۴۳) هشام می گوید نزد امام صادق (ع) بودم که معاویه بن وهب وارد شد و خدمت حضرت گفت: ای فرزند رسول الله، چه می گویی در مورد خبری که از پیامبر (ص) روایت شده که خداوند را دیده و چگونه پیامبر خدا را دیده؟ و یا در روایتی دیگر از حضرت رسول نقل شده که مومنان در بهشت، پروردگار خود را می بینند، به چه شکل خواهد بود؟ حضرت امام صادق (ع) تبسمی کرد و فرمود: ای معاویه بن وهب، چقدر ناشایست است که انسان عمر هفتاد یا هشتاد بنماید و در ملک و قدرت خدا زندگی کند و از نعمت های او بهره مند باشد ولی از او معرفت صحیحی نداشته باشد. ای معاویه، پیامبر(ص) هرگز خداوند را با چشم سر ندید. بدان که رؤیت بر دو قسم است: رؤیت قلبی و درونی؛ رویت چشمی و جسمانی، هر کس رؤیت با چشم درون و قلب را قصد کند درست گفته و هرکس رؤیت و مشاهده با چشم سر را قصد کند، دروغ گفته و کفر بر خدا ورزیده است. (بحارالانوار، مجلسی، ج ۴، ص ۵۴؛ المیزان، طباطبایی، ج ۸، ص ۲۵۵)